اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت چهل و چهارم)

استجابت دعا (بخش دوم)

ما باید از خدای مهربان تشکر کنیم بخاطر نزول کتاب قرآن و نکاتی که در آن قرار داده است. با همین نکات قرآنی میتوانیم راه راست را پیدا کنیم. بیایید یک آیه خیلی مهم را بررسی کنیم.

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم پس [آنان] هم باید فرمان مرا گردن نهند (استجابت کنند) و به من ایمان آورند باشد که راه رشد را بیابند (۱۸۶)

براساس آیه فوق، مراحل یک دعا به صورت زیر است:

دَعَانِ > أُجِيبُ > فَلْيَسْتَجِيبُوا لِی > وَلْيُؤْمِنُوا > يَرْشُدُونَ

درخواست از خدا < اجابت دعا توسط خدا < دیدن جواب خدا توسط فرد دعا کننده < ایمان به خدا < رشد نفس

همانطور که در آیه بالایی می بینید، درخواست ازخدا در نهایت به رشد نفس تبدیل میشود و این یعنی درخواست و دعا از خدا، محل تغذیه و غذای نفس ماست. همانطور که بدن ما به غذای مادی نیاز دارد تا رشد کند و سالم باشد؛ نفس و روان ما هم به این نوع غذای معنوی نیاز دارد تا ایمان آورد و رشد کند. در غیر آن صورت، نفس ما رشد نمی کند. انسان اگر رشد نکند تحت کنترل شیاطین قرار می گیرد همانطور که اگر کسی غذا نخورد بدنش ضعیف میشود و تحت کنترل ویروس ها قرار می گیرد.

معمولاً دعاهایی که انجام می شود در لحظات آخر اجابت می شود زیرا اخلاص در دعاها در لحظات آخر صورت می پذیرد؛ به این معنا که در لحظات آخر مشکلات، کارد به استخوان میرسد و در این حین فرد نیازمند، واقعا نیاز واقعی خویش را از خدا میخواهد و به همین خاطر خدا آن را اجابت میکند. باید دعا در مسیر خدا باشد تا جواب داده شود. نوح برای پسرش دعا می کند ولی مورد قبول واقع نمی شود زیرا نوح در آن لحظه نسبت به پسرش علم کامل نداشت و به همین خاطر خدا به نوح می فرماید که ای نوح دعاهای جاهلانه از من نکن.

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۴۶﴾

فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای] کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان علم نداری از من مخواه من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی (۴۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۴۷﴾

گفت پروردگارا من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم (۴۷)

مثلاً کسی که از خدا خانه هزار متری می خواهد این دعای او از نفس منحرف او سرچشمه می گیرد و عاقبت خوبی ندارد. البته فراهم نمودن خانه هزارمتری برای خدا، کار خیلی ساده ای است؛ خدا هرکار و هر چیزی را میتواند انجام دهد و فراهم

آورد. اما اگر عاقبت اجابت دعا ، مطابق سیستم رحمانی نباشد، برآورده نمی شود. کل صفات خدا در برآورده شدن یک دعا موثرند. ممکن است که خدا خانه هزار متری به شما بدهد ولی زندگی شما به هم بریزد. هدف اصلی از زندگی در این کره خاکی، داشتن امکانات دلخواه نیست؛ بلکه رشد نفس است. پیامبر ابراهیم دعا کرد که خدا طریقه زنده شدن مردگان را به او نشان دهد؛ خدا همین کار را کرد؛ اما این کار را برای فردی مثل ابراهیم کرد، زیرا کمتر کسی مثل ابراهیم یقین دارد؛ در صورتی که بعضی دعاها برآورده شود و فرد زیر آن بزند ممکن است که خدا بر او عذاب نازل کند. شاید خدا همین دعای ابراهیم را برای فرد دیگری برآورده نکند، زیرا فرد ممکن است که بعد از اجابت آن، زیر دعا بزند و در نتیجه براساس سنت خدا، عذاب بر او نازل میشود و این به ضرر فرد است. بنابراین اجابت نشدن بعضی دعاها همیشه به ضرر افراد نیست. خدا خودش مصحلت کارها را بهتر از ما میداند. موسی بعد از فرار از دست فرعون؛ از خدا خواست که به او آنچیزی که لازم دارد را بدهد.

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾

پس برای آن دو [گوسفندان را] آب داد آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت پروردگارا من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم (۲۴)

خدا دعای او را اجابت کرد و بعد از اجابت، موسی صفات خدا را زیر سوال نبرد بلکه به خدا اطمینان پیدا کرد. موسی فهمید که خدا دعای او را اجابت کرده است و بابت آن از خدا تشکر کرد. بعضی ها از خدا میخواهند و خدا هم دعای آنان را برآورده میکند ولی افراد براثر جهالت، هنوز فکر میکنند که خدا دعای آنان را جواب نداده است. آنها جواب دعا را نمی بینند و این همان تعریف ایمان و عدم ایمان است. دیدن اجابت دعاها، خودش از اصول ایمان است و اینجور دیدنهاست که باعث رشد نفس خواهد شد.

خدای مهربان دعاهای غیر منطقی را جواب نمی دهد زیرا دعاهای غیر منطقی از بصیرت اشتباه ناشی می شوند و واقعاً نیاز نفس را برآورده نمی کنند. مثلا وقتی نفس آرامش میخواهد، بصیرت فرد به روش خودش دعا می کند ممکن است که یکی بر اساس بصیرت اشتباه، آرامش را در پول زیاد و یا ماشین لوکس ببیند؛ در حالیکه آرامش در آن چیزی است که خدا سر راه ما قرار داده است و تعریف میکند و نه در آنچیزی که انسان در خیال خود میسازد.

بعضی دعاها به صورت مخفی است و بعضی دیگر از دعاها به صورت ندا و زبانی است. آنچه که نفس میخواهد در بصیرت ما ترجمه شده و به صورت دعا در میاید. اما وقتی که کالبد آدمی در خطر باشد فرد برای نجات و دعا ، ندا هم میکند؛ مثل دعاهای یونس، ایوب، موسی ، نوح و ابراهیم. ما باید کالبد بشری خویش و همچنین نفس خود را نسبت به خدا قانع کنیم که همیشه فقط خدا را به کمک بخوانیم.

مشرکین درون کشتی زمان غرق شدن، فقط خدا را می خوانند اما لزوما نه به صورت ندا.

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿۶۷﴾

و چون در دریا به شما صدمه ای برسد هر که را جز او می خوانید ناپدید [و فراموش] می گردد و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رهانید رویگردان می شوید و انسان همواره ناسپاس است (۶۷)

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿۶۵﴾

و هنگامی که بر کشتی سوار می شوند خدا را پاکدلانه می خوانند و[لی] چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد بناگاه شرك می ورزند (۶۵)

چندین سال پیش در حین تولد اولین بچه ام در سالن بیمارستان نشسته بودم، با پدر یکی از نوزادان دیگر مشغول صحبت بودیم. او گفت بیست میلیون تومان هزینه کرده تا بچه اش پسر شود! من گفتم پسر بودن یا دختر بودن یک بچه که با پول درست نمی شود. بلکه این مورد کاملاً دست خداست. تنها خداست که جنسیت بچه و ماهیت او را مشخص می کند؛ او گفت که تلاش زیادی کرده است و پیش دکتر های مختلف رفته است و دارو های مختلف برای همسرش تهیه کرده است تا که بچه شان پسر شود. من برایش توضیح دادم ولی نمیدانم که متوجه موضوع شد یا نه. متاسفانه خدا را فراموش کرده بود و به اشتباه فکر می‌کرد که داروها یا پول بچه

او را به پسر تبدیل کرده بود. خدای مهربان خواسته قلبی او را جواب داده بود و به آنها پسر داده بود ولی او اجابت خدا را نگرفت و درکش نکرد و به نوعی اجابت دعا را به خود نسبت میداد. او فراموش کرده بود که بارها قلبا و شاید هم زبانا ، از خدا بچه پسر تمنا کرده است؛ اما در مرحله نهایی، اجابت دعا را از خدا سلب کرد و به تلاش و مال و اموال خود نسبت داد. او نقطه عطف زندگی خویش را نشناخت و نتوانست از آن استفاده کند.

تمام سیستم زندگی ما انسانها براساس دعا و اجابت دعا است. شما اگر توجه کنید نقاط عطف زندگی تمام پیامبران در زندگیشان دعاهای آنان بوده است؛ یونس در شکم ماهی دعا میکند و خدا را ندا میزند و نجات می یابد و این لحظه، نقطه عطف زندگی اوست. نقطه عطف، یعنی نقطه انقلاب درونی افراد. هرکسی یک یا چند انقلاب درونی در خودش خواهد داشت و این انقلابها را باید درست فهمید.

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾

و ذوالنون را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم (۸۷)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می دهیم (۸۸)

موسی از خدا میخواهد که به آنچه که نیاز دارد، برسد؛ این دعای او برآورده می شود این همان نقطه عطف و انقلاب زندگی موسی بود. ابراهیم دعا می کند که خدا به او نسلی نمازگزار بدهد تا نماز را در تمام دوران حفظ کنند ؛ این همان نقطه عطف سیستم ابراهیمی است و همچنین سایر پیامبران که دعاهای آنان مسیر زندگی آنان را زیرو رو کرد.

ما انسان ها مدیون دعاهای خالصانه گذشتگان خویش هستیم و دعاهای آنان در زندگی ما موثر بوده است و دعاها و خواسته های ما در زندگی بچه های ما هم موثر است. مثلاً گذشتگان ما دعا می کردند که به طریقی در آسمانها پرواز کنند. خدا دعاهای آنان را جواب داد و خدا کاری کرد که بشر هواپیما را اختراع کند. باید توجه داشته باشیم که اختراعات و اکتشافات بشر بدون خواست و کمک خدا امکان پذیر نبوده است. خدا دخالت می کرد و آن را در ذهن مخترع می انداخت. گذشتگان ما خالصانه دعا می کردند که میان آب ها راه بروند و خدا دعای آنان را جواب داد و ساخت کشتی را در ذهن ما انسانها قرار داد.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾

خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد (۳۲)

به همین خاطر بهترین اختراعات جهان نتیجه برآورده شدن دعاهای یک نسل توسط خدا است. هر کسی در درون خویش یک انقلاب دارد که آن انقلاب به وسیله دعا و اجابت آن توسط خدا به وجود می آید. این انقلاب زمانی رخ خواهد داد که افراد اجابت دعا توسط خدا را ببینند و درک کنند.

متاسفانه انحرافات زیادی در دعاکردن بوجود آمده است. یکی می‌گوید که دعا کردم و خدا قبول نکرد! و با این حرف، او بیشتر مایوس می‌شود و بیشتر از خدا دور می شود. یا بعضی افراد برعکس دعا می کنند ؛ مثلا می گویند که دعا نکنید که برآورده نمیشود! یا یک رمال و دعانویس، یک دعا برای فرد می نویسد و فرد زیر بالشش می گذارد و هر شب که می خوابد، با این فکر می خوابد و در طی روزها بالاخره یه چیزی اتفاق می افتد و فرد خیال میکند که از طرف دعانویس دعای او اجابت شده است؛ به این طریق به دعانویس اعتقاد قلبی پیدا می کند و به جای اینکه رشد کند دچار غی و سقوط میشود و نفس او تنزل پیدا میکند. شیطان میداند که تنها راه رشد روان و نفس انسان، درخواست مستقیم از خداست، به همین خاطر روشهایی بوجود آورده است که دعا کردن مستقیم از خود خدا را از بین ببرد.

ما انسانها هر دعایی که می کنیم باید جواب آن را هم ببینیم اما بعضی ها دعا می کنند ولی جواب آن را نمی بینند زیرا انتظار دارند که اجابت دعا مثل آن چیزی باشد که در ذهن و خیال آنان است. شیطان طبق پلان A، ابتدا سعی میکند افراد را مجاب کند که خدا را نخوانند؛ اما وقتی افراد خدا را به کمک خواندند و از خدای عالمیان

درخواست کردند، اینبار پلان B را اجرا میکند و کاری میکند که افراد اجابت دعا توسط خدا را نبینند. این همان نقطه عطف زندگی تمام انسانهاست که باید از آن یک پل برای پیشرفت نفس و روان خویش بسازند. افرادی هستند که در همان پلان A شکست میخورند و افراد دیگری هم هستند که در پلان B مغلوب شیطان میشوند. مثلاً ممکن است که شما از خدا پول بخواهید و خدا هم نیاز پولی شما را برآورده کند ولی شما جواب دعایی که کرده اید را نبینید؛ زیرا شما فکر میکنید که باید خدا چندین بسته اسکناس را داخل یک کیف برای شما پایین بفرستد. در حالیکه خدا آن را از طریق دیگری جواب داده است و جور دیگری (مثل سود در یک معامله) پول را به شما میرساند. ولی شما جواب را نمی بینید و پولی که در زندگی خویش به شما رسیده است را نتیجه تلاش و علم خویش میدانید و نه اجابت دعای قلبی شما توسط خدا.

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾

[قارون] گفت من اینها را در نتیجه دانش خود یافته ام آیا وی ندانست که خدا نسلهایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند و[لی این گونه] مجرمان را [نیازی] به پرسیده شدن از گناهانشان نیست (۷۸)

یکی از مهمترین شرایط ایمان، دیدن جواب دعاهاست. این مرحله‌ای است بعد از مرحله دعا کردن. به همین خاطر در آین مورد بحث ، بعد از اجابت دعا توسط خدا؛

باید فرد دعا کننده جواب را ببیند و آن را به خدا نسبت دهد تا ایمانش اضافه شده و رشد کند.

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

دَعَانِ > أُجِيبُ > فَلْيَسْتَجِيبُوا لِی > وَلْيُؤْمِنُوا > يَرْشُدُونَ

درخواست از خدا > اجابت توسط خدا > دیدن جواب خدا توسط فرد دعا کننده > ایمان به خدا > رشد نفس

هر دعایی که اجابت می شود باید انسان آن را استجابت کند و این برای انسان یک طناب است برای رشد و تلاشی است برای افزایش ایمان. استجابت یعنی دنبال جواب دعا گشتن و به استقبال آن رفتن و منتظر آن بودن. یک روانشناس مشهور از یک چیزی صحبت میکرد به اسم سیستم پاداش برای دیدن یک جواب. از نظر او برای هر رفتاری که پاداش بدهید، آن رفتار در فرد تقویت می شود و اگر تنبیه کنی، رفتار در فرد خاموش میشود. ایمان یعنی تقویت این حالت. کسی که خدا را

دعا می کند و از خدا چیزی میخواهد و اما اجابت دعا های خود را نمی بیند؛ یعنی ایمانش ضعیف است و به مرحله رشد نرسیده است.

مردم جواب دعاهایی که خدا برآورده کرده است را نمی بینند و مهمترین دلیل این امر آن است که آنان انتظار دارند که جوابی را ببینند که خودشان انتظار دارند. ما وقتی که دعا می کنیم باید دنبال جوابش هم بگردیم، باید دنبال جواب و حتی به استقبالش هم برویم. ابراهیم دعا کرد که خدا قیامت را به او نشان دهد و خدا گفت که چهار پرنده را قطعه قطعه کرده و هر قسمت را در بالای یک قله قرار بدهد؛ ابراهیم این کار را کرد و جوابش را هم دید و ایمانش هم اضافه شد و نفس خویش را رشد داد. وقتی در سیستم رحمانی دعا کنید باید در همان سیستم هم جوابش را بگیرید؛ اگر در همان سیستم نباشید، جوابش را نخواهید دید و در نتیجه شکرگزاری نخواهید کرد و باعث رشد نفس شما نخواهد شد.

در سیستم های شیطانی استجابت دعا را نمی بینی. مثلاً یهودیان قبل از آمدن مسیح، مژده آمدن او را می دادند و روی آمدن او خیلی زیاد حساب باز کرده بودند؛ اما وقتی که مسیح آمد، آنها زیر حرف خودشان زدند؛ زیرا آنان جواب دعای خود را ندیدند و حتی در مقابل مشرکین زمان پیامبر، قبل از مبعوث شدن پیامبر محمد، مژده آمدن پیامبری را میدادند ولی بعد از مبعوث شدن پیامبر محمد، او را انکار کردند و به این طریق جواب انتظارات و دعاهای خویش را ندیدند.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾

و هنگامی که از جانب خدا کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می جستند ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می شناختند برایشان آمد انکارش کردند پس لعنت خدا بر کافران باد (۸۹)

کسی که در زمین گندم می کارد منتظر و امیدوار است که گندم سبز شود. امیدواری به خدا نوعی دعای قلبی است و در نهایت نتیجه میدهد. در دیدن جواب دعا ها باید صبر هم داشته باشید، اگر صبر نداشته باشید جواب دعا را نمی بینید و این صبر برای استجابت است که باعث افزایش ایمان و رشد خواهد شد. اگر کسی که گندم کاشته است، صبر و حوصله نداشته باشد، قطعا منتظر سبز شدن گندم نخواهد ماند و ممکن است زمین را شخم زده و چیز دیگری بکارد.

خدا آنقدر مهربان است که حتی دعای مسلمانانی که خالصانه از خدا میخواهند که راهنمایی برای آنها بفرستد و آنان او را مهدی می نامند، اجابت میکند. خدا دعای آنان را جواب میدهد ولی مهمتر از همه این است که آنها جواب را ببینند و زیر آن نزنند. خدا راهنما می فرستد ولی مهمتر از آن این است که مردم تشخیص دهند که دعای آنان برآورده شده است. گاهی افراد در طول زمان، دعاها را منحرف میکنند و اگر خدا همان راهنما را بفرستد؛ مردم او را نمی شناسند و زیر دعاهای خویش

میزنند. زیرا آنها انتظار فردی را به عنوان مهدی می کشند که منطقی نیست و به این طریق کار خود را مشکل میکنند. یهودیان چرا نتوانستند پیام مسیح را قبول کنند. زیرا آنها مسیح را طور دیگری میخواستند و آنها انتظاراتی از مسیح داشتند که با واقعیت نمی خواند و در نتیجه زیر آن زدند. آنها طی زمان و به مرور چنان تغییرات فراوانی در شخصیت پردازی مسیح انجام داده بودند که با مسیح اصلی اصلا نمی خواند و در نتیجه مسیح را باور نکردند و زیر دعاهای خود زدند و عهد خود را شکستند.

مجموعه مقالات این وبلاگ تحت عنوان جادوی شیاطین، راهنمایی است برای شما. امیدوارم که زیر دعاهای خود نزنید و به پیام خدا در قرآن ایمان آورید.